

به سان رود که در نشیب دره سر به سنگ می زند رونده باش

مرجان زارع، سردبیر نشریه‌ی «مدرسه ما»

فعالیت فرهنگی به زمان بر بودن و دشواری معروف است. زمانی که یک سازه‌ی عمرانی ساخته می‌شود، می‌توان تمام مراحل آن را دید و ارزیابی کرد. در واقع حاصل فعالیت عمرانی را نمی‌توان نادیده گرفت، چراکه خود را به هر چشمی تحمیل می‌کند. اگرچه نشریات هم در زمره‌ی سازه‌های فرهنگی قرار می‌گیرند اما آن‌چه با انتشارشان به ظهور می‌رسد تنها بخش اندکی از این سازه را نمایان می‌کند، سازه‌ای که کلمه به کلمه قدکشیده، با بتن‌ریزی اندیشه‌ها و گفتمان‌های فرهنگی محکم شده و قرار است تولیداتی نظیر علم، فرهنگ و هنر داشته باشد. دیدن بخش بزرگ‌تر و توجه به آن‌چه نادیدنی است، کار چشم و دلی مسلح به آگاهی است که در این دنیای پر شتاب قصد خواندن کند و ترجیحش یادگیری باشد. باری نشریه‌ی «مدرسه ما» هم از این قانون مستثنا نیست و در طول چند سالی که از حیاتش می‌گذرد با همه‌ی پستی و بلندی‌هایی که بر سر راهش داشته و دارد از پا نیفتاده و هم‌چنان به راه خویش ادامه می‌دهد. دلیل این استقامت را باید در استحکام پایه‌های این سازه دانست که «سیدمحسن گلدانساز» آن را در سال ۱۳۹۲ بنا کرد و امروز بدون اغراق با کم‌ترین امکانات و شانه به شانه‌ی نشریات مشابه خود در سطح کشور پیش می‌رود. این دست‌آورد ممکن نبود جز با همراهی کادر آموزشی مدارس، کارشناسان مجتمع آموزشی و تمام کسانی که در این سال‌ها با مطالب، پیشنهادات و البته نقدهای‌شان بر غنای آن افزودند. در این بین «غلام‌علی سفید» همواره بر تداوم این جریان تأکید داشته چراکه پیش از ما و به‌خوبی از اثربخش بودن کار فرهنگی به واسطه‌ی سال‌ها فعالیت و تجربه آگاه است.

تاکنون پانزده شماره از این نشریه منتشر شده که ابتدا به‌صورت فصل‌نامه و از شماره‌ی هشتم به بعد در قالب دو فصل‌نامه در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. «مدرسه ما» یک نشریه‌ی موضوع‌محور است که هر شماره با ابلاغ موضوع شماره‌ی آتی به مدارس و کادر آموزشی، کار خود را آغاز می‌کند. هرچند مطالب به صورت قطره‌چکانی به دفتر نشریه می‌رسد اما در سه شماره‌ی اخیر، حضور رسمی نماینده‌گان نشریه در مدارس که بدون هیچ چشم‌داشتی، هم‌دلانه واسطه‌ای میان ما و کادر اداری و آموزشی شدند، این روند را سهولت بخشید به طوری که دریافت مطالب نسبت به گذشته با سرعت بیش‌تری اتفاق می‌افتد. این سطور فرصتی شد که در همین جا مراتب سپاس خود را از تک تک این عزیزان اعلام کنم.

مختصات این شماره:

اینک شماره‌ی پانزدهم با موضوع «تعالی و تدبیر مدیریت» پیش روی شماست. در صفحات اول این شماره از کلام شیرین دکتر «محمدرضا سرکارآرانی» بهره بردیم. ایشان پیش از دوران کرونا هر سال با حضور خود در نشست‌ها، کارگاه‌های درس‌پژوهی و درس‌کاوی، عطر امید و ایده‌های نو را در فضای آموزشی می‌پراکندند. در این شماره نیز با مطلب ایشان هم‌راه هستیم و برآنیم تا از شماره‌های بعد سرکلیشه‌ای را با عنوان «پداگوژی» به بدنه‌ی نشریه اضافه کنیم و در هر شماره مطلبی با این مضمون داشته باشیم. بازتاب نشست‌هایی با دکتر «مرتضی مجدفر»، دکتر «خسرو باقری» و دکتر «علی‌اصغر احمدی» را خواهید خواند که بدون شک از

وزنه‌های آموزش و پرورش کشور بوده و نیاز به معرفی ندارند. هم‌چنین چند گفت‌وگو با مدیران مجتمع آموزشی برای دریافت نظرات و دیدگاه‌های ایشان در خصوص چه‌گونه‌گی مدیریت مجموعه انجام شده است. هم‌چنین در این شماره از مدیران مدارس خواستیم تا در قالب پاسخ به سؤالاتی که برای‌شان طرح شده بود، نظرات خود را بر اساس تجارب و بینشی که کسب کرده‌اند، بنویسند. مگر می‌شود مدیر باشی و حرفی نداشته باشی؟ مگر می‌شود از معلم و معاون خود گزارش بخواهی و به اعجاز قلم معتقد نباشی؟ این بود که اکثر قریب به اتفاق مدیران نوشتند. معلمان هم که همراه وفادار و همیشه‌گی نشریه هستند، هنر معلمی خود را از این گذرگاه با دیگران به اشتراک گذاشتند تا ظرافت مطالب دوچندان شود.

در این شماره ما نیز سهم خود را از ره‌آورد اصلی کرونا یعنی ارتباطات سهل‌تر و سریع‌تر به واسطه‌ی فضای مجازی برداشتیم. به یمن همین ارتباطات توانستیم بخش دانش‌آموزی و سخنی از خانواده را که پیش‌تر جسته و گریخته به آن پرداخته بودیم مورد توجه بیش‌تری قرار دهیم چراکه معتقدیم پیش از برنامه‌ریزی برای بچه‌ها باید نیازها، حرف‌ها و رویاهای‌شان را از زبان خودشان بشنویم و با علم به این نیازها و خواسته‌ها برای سال تحصیلی جدید برنامه‌ریزی کنیم. مطالب بچه‌ها این نکته را گوشزد می‌کند که بدون گوشی شنوا و چشمانی باز به راه بادیه خواهیم رفت. مطلبی هم به قلم خانم مریم میرمحمدی دبیر هیئت تحریریه‌ی خلاق و خوش‌فکرمان نوشته شده است، این مطلب به‌عنوان یک منبع برای نوشتن علاقه‌مندان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و خواندندش را به کسانی که از این پس برای‌مان خواهند نوشت، توصیه می‌کنم. بسیاری مطالب دیگر هم طبق روال شماره‌های پیش در این شماره وجود دارد که امیدواریم بعد از خواندندش ما را از نظرات خود بهره‌مند سازید.

...

در آخر باز می‌گردم به اول سخن، و اشاره‌ام به سختی و زمان‌بر بودن اثرگذاری کار فرهنگی. وقتی از سختی کار و دغدغه خود با آقای گلدان‌ساز صحبت می‌کردم از ایشان، کسی که از سال‌ها پیش در حوزه‌ی آموزش و پرورش و نشر گام‌های مؤثر و پرمایه‌ای برداشته است، پرسیدم که راه شما را چه کسانی ادامه خواهند داد؟ آیا نسل آینده برای نشر روش‌های نوین آموزش و پرورش و پرداختن به چالش‌ها و مشکلات آن، این سختی‌ها را به جان خواهند خرید؟ ایشان گفتند: «تعلیم و تربیت به طور مستقیم به نسل‌ها و شاگردپروری معطوف نیست. فرآیندی رو به رشد و تعالی است که نو به نو زایش و دست‌آورد و تجربه‌ی تازه دارد و در سطحی گسترده در جهان در حال طرح و ارائه است. کسانی موفق‌تر و روزآمدتر هستند که جست‌وجوگرهای خوب و دریافت‌کننده‌گان بانگیزه و پردازش‌گران پرسرعت و تیزهوشی باشند.»

پاسخ ایشان را یک‌بار دیگر و با دقت بخوانید. آن‌چه امروز در میان تغییرات بسیار در آموزش و پرورش حیاتی و نجات‌دهنده محسوب می‌شود نگاه درست به امروز برای دیدن آینده است. اما برای آن‌که بتوانیم اندکی جلوتر از زمانه خود را ببینیم، تنها راه این است که به یادگیرنده‌گانی مداوم، بانگیزه و تحلیل‌کننده تبدیل شویم. در این بین مدیر مدرسه که نقشی تأثیرگذار و تعیین‌کننده در تمام امور مدرسه دارد اگر دل به قالب‌هایی ببندد که به قولی امتحان‌شان را پس داده است و امن و بی‌خطر هستند، دست‌آوردش چیزی جز کلیشه‌ای ملال‌آور نخواهد بود، که هم دامن اجرایی و هم دامن دانش‌آموزان را خواهد گرفت. باشد که مطالب این شماره دریچه‌ای باشد بر مدیریتی تحول‌نگر و خلاق در تمام لایه‌های پیدا و پنهان آموزش. ■